

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مختصر آیین دادرسی مدنی



مؤلف:

گلریز مهرداد قائم مقامی

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۶

سرشناسه : مهرداد قائم‌مقامی، گلریز، ۱۳۶۹ -
 عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام
 عنوان و نام پدیدآور : مختصر آیین دادرسی مدنی / مولف گلریز مهرداد قائم‌مقامی.
 مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۴۴۷ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۶۳-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۲۷.
 موضوع : آیین دادرسی مدنی -- ایران
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ م۳ / ۱۷۱۰ / KMH
 رده بندی دیویی : ۳۴۷/۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۷۱۴۹۹

نام کتاب : مختصر آیین دادرسی مدنی
 ناشر : چتر دانش
 مؤلف : گلریز مهرداد قائم‌مقامی
 نوبت و سال چاپ : دوم - ۱۳۹۶
 شمارگان : ۲۰۰۰
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۶۳-۲
 قیمت : ۲۰۰۰۰ تومان

خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، خ فخررازی، نبش کوچه انوری، پ ۲۷
 تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹
 پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com
 کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد. مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

مقدمه مؤلف

"اللَّهُمَّ لَا تُسِنِي مَا أَقْرَأُ فِي يَوْمٍ هَذَا فَإِنَّكَ قُلْتَ سَنَفَرِّكَ فَلَا تُنْسِي"

هدف اصلی از طرح دعای، در درجه‌ی اول احقاق حق و رسیدن به عدالت در مفهوم موسع خویش است. منظور از عدالت در این مفهوم قرار گرفتن هر چیز در جای خود است؛ چیزی که در تمام نظام و عالم آفرینش حکم فرماست. کما اینکه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "بالعدل قامت السموات والارض". برای رسیدن به این مهم، قانون‌گذار قواعد و مقرراتی را مقرر کرده که برای پیش‌برد پروسه و جریان اقامه‌ی دعوا؛ طرفین یک منازعه، قضات دادگستری، مدیران دفاتر، مأموران ابلاغ، وکلای دادگستری و غیرهم ناگزیر از رعایت آن هستند. لذا برای رسیدن به احقاق حق و عدالت عالی، باید بر قواعد و تشریفات دادرسی مسلط بود. وانگهی اهمیت درس آیین دادرسی مدنی بر کسی پوشیده نیست. چرا که این درس به لحاظ آموزشی نیز، یکی از درس‌های مهم چه در آزمون‌های قضاوت، وکالت، مشاوران و... و چه در آزمون‌های کارشناسی ارشد و دکترای آزاد می‌باشد. از همین سو، بر آن شدیم تا از سری مجموعه‌های کتب مختصر موسسه چتردانش، کتاب مختصر آیین دادرسی مدنی را به رشته‌ی تحریر در بیاوریم. این کتاب علاوه بر ارائه‌ی نکته‌های کلیدی در هر فصل قانون آیین دادرسی مدنی، نکاتی را در رابطه با مهم‌ترین قوانین خاص آیین دادرسی مدنی به زیور طبع آراسته است. از خوانندگان محترم کتاب، تقاضا داریم، هر گونه مطلبی را اعم از انتقاد یا پیش‌نهاد در رابطه با این کتاب ملاحظه فرمودند به سامانه پیامکی ۰۲۱-۶۶۴۹۲۳۲۷ اطلاع دهند تا در اسرع وقت نسبت به اعمال نظرات اقدام شود. در پایان لازم است از زحمات و تلاش‌های مدیر موسسه و مدیر محترم انتشارات موسسه آموزش عالی آزاد چتردانش قدردانی کنم و برای آن بزرگواران از درگاه ایزد منان، سلامتی مسئلت دارم.

گلریز مهرداد قائم مقامی

زمستان ۹۴

توضیح:

در همه‌ی موارد، مواد قانونی به صورت کامل ذکر نشده است، لذا دانشجویان محترم مستغنی از مطالعه قانون نمی‌باشند.

پیشنهاد می‌شود با مطالعه هر مبحث، مواد قانونی مرتبط با آن هم مطالعه شود. در ابتدای هر مبحث، سعی شده است تا ابتدا کلیاتی گفته شود و بعد از آن به بیان نکات کلیدی پرداخته شود. به عبارت دیگر سعی شده است تا از توضیحات فرعی و حاشیه‌ای خودداری شود. لذا دانشجویان گرامی مطالب را با دقت و ظرافت مطالعه فرمایند. باب بندی و ترتیبات کتاب نیز، مانند ترتیبات قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد. حتی المقدور سعی شود از مطالب نزدیک به هم که امکان خلط آن‌ها وجود دارد، خلاصه برداری شود تا مطالب در یک چهارچوب بندی دقیق در کارگاه ذهنی و اندیشه‌ی تحلیل، هضم شود.

فهرست

کلیات ۱۳

باب اول: صلاحیت دادگاه‌ها (مواد ۱۰-۲۵) ۲۲

فصل اول: صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها ۲۲

فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن (مواد ۲۶-۳۰) ۳۸

باب دوم: وکالت در دعاوی (مواد ۳۱-۴۷) ۴۱

دادرسی نخستین ۵۳

باب سوم: دادرسی نخستین (مواد ۴۸-۵۰) ۵۴

فصل اول: دادخواست ۵۴

مبحث اول: تقدیم دادخواست ۵۴

مبحث دوم: شرایط دادخواست (مواد ۵۱-۵۲) ۵۵

فصل دوم: بهای خواسته مواد (۶۱-۶۳) ۷۷

فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی ۸۲

مبحث اول: جریان دادخواست (مواد ۶۴-۶۶) ۸۲

مبحث دوم: ابلاغ (مواد ۶۷-۸۳) ۸۳

ایرادات و موانع رسیدگی ۸۹

مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی (مواد ۹۲-۸۴) ۹۰

جلسه دادرسی ۱۰۱

فصل چهارم: جلسه دادرسی (مواد ۹۳-۱۰۴) ۱۰۲

فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست (مواد ۱۰۵-۱۰۷) ۱۱۴

آیین‌های ویژه و دعاوی طاری ۱۲۱

- فصل ششم: آیین‌های ویژه (تأمین خواسته، دستور موقت، سازش و تأمین دلیل)..... ۱۲۲
- مبحث اول: تأمین خواسته (مواد ۱۲۰-۱۰۸)..... ۱۲۲
- مبحث دوم: دستور موقت (مواد ۳۲۵-۳۱۰)..... ۱۲۷
- مبحث سوم: تأمین دلیل (مواد ۱۵۵-۱۴۹)..... ۱۳۵
- مبحث چهارم: سازش (مواد ۱۹۳-۱۷۸)..... ۱۳۷
- فصل هفتم: دعاوی طاری (ورود ثالث، جلب ثالث، دعاوی متقابل و دعاوی اضافی)..... ۱۴۰
- مبحث اول: دعاوی ورود ثالث (مواد ۱۳۴-۱۳۰)..... ۱۴۰
- مبحث دوم: دعاوی جلب ثالث (مواد ۱۴۰-۱۳۵)..... ۱۴۲
- مبحث سوم: دعاوی متقابل (مواد ۱۴۳-۱۴۱)..... ۱۴۵
- مبحث چهارم: دعاوی اضافی..... ۱۴۶

دلایل ۱۴۷

- فصل هشتم: دلایل (مواد ۲۹۴-۱۹۴)..... ۱۴۸
- مبحث اول: اسناد (مواد ۲۲۸-۲۰۶)..... ۱۴۹
- مبحث دوم: اقرار (مواد ۲۰۵-۲۰۲)..... ۱۶۱
- مبحث سوم: گواهی (مواد ۲۴۷-۲۲۹)..... ۱۶۴
- مبحث چهارم: معاینه و تحقیق محلی (مواد ۲۵۶-۲۴۸)..... ۱۶۹
- مبحث پنجم: کارشناس (مواد ۲۶۹-۲۵۷)..... ۱۷۱
- مبحث ششم: سوگند (مواد ۲۸۹-۲۷۰)..... ۱۷۵
- مبحث هفتم: نیابت قضایی (مواد ۲۹۴-۲۹۰)..... ۱۸۱

رأی ۱۸۳

- فصل نهم: رأی (مواد ۳۰۴-۲۹۵)..... ۱۸۴
- مبحث اول: حکم ۱۸۵
- مبحث دوم: آثار حکم ۱۸۷
- مبحث سوم: انواع حکم ۱۸۹

مبحث چهارم: فرارها ۱۹۳
فصل دهم: اظهارنامه (مواد ۱۵۷-۱۵۶) ۲۰۴

۲۰۷ طرق شکایت از آراء

۲۰۸ باب چهارم: طرق شکایت از آراء

فصل اول: واخواهی (مواد ۳۰۹-۳۰۵) ۲۰۹

مبحث اول: مهلت واخواهی ۲۱۲

مبحث دوم: آثار واخواهی ۲۱۴

مبحث سوم: اجرای آراء غیابی و تصحیح رأی ۲۱۵

فصل دوم: تجدیدنظر (مواد ۳۶۵-۳۲۹) ۲۱۷

مبحث اول: احکام قابل درخواست تجدیدنظر ۲۱۹

مبحث دوم: جهات تجدیدنظر (م ۳۴۸ ق.آ.د.م) ۲۲۵

فصل سوم: فرجام (مواد ۴۱۶-۳۶۶) ۲۳۱

مبحث اول: آراء قابل فرجام ۲۳۴

مبحث دوم: آراء غیر قابل فرجام ۲۳۶

مبحث سوم: انواع فرجام خواهی ۲۳۸

فصل چهارم: اعتراض شخص ثالث (مواد ۴۲۵-۴۱۷) ۲۴۵

مبحث اول: کلیات ۲۴۵

مبحث دوم: انواع اعتراض ثالث ۲۴۹

مبحث سوم: اعتراض شخص ثالث در مرحله اجرا حکم ۲۵۱

فصل پنجم: اعاده دادرسی (مواد ۴۴۱-۴۲۶) ۲۵۱

مبحث اول: جهات اعاده دادرسی ۲۵۳

مبحث دوم: انواع اعاده دادرسی ۲۵۶

مبحث سوم: آثار اعاده دادرسی ۲۵۸

۲۶۱ مواعد

باب پنجم: مواعد (از مواعد ۴۵۳-۴۴۲) ۲۶۲

باب ششم: داوری (مواد ۵۰۱-۴۵۴).....	۲۶۸
باب هفتم: هزینه دادرسی و اعسار (مواد ۵۱۲-۵۰۲).....	۲۷۸
باب هشتم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد.....	۲۸۳
فصل اول: کلیات (مواد ۵۱۸-۵۱۵).....	۲۸۳
فصل دوم: خسارات (مواد ۵۲۲-۵۱۹).....	۲۸۴
فصل سوم: مستثنیات دین (مواد ۵۲۷-۵۲۳).....	۲۸۴

۲۸۷ ضمائِم

باب نهم: ضمائِم.....	۲۸۸
ضمیمه اول: قانون اجرای احکام مدنی به همراه نکاتی از آن.....	۲۸۸
فصل اول: قواعد عمومی.....	۲۸۸
مبحث اول: مقدمات اجرا.....	۲۸۸
مبحث دوم: دادرزها (مأمورین اجرا).....	۲۹۱
مبحث سوم: ترتیب اجرا.....	۲۹۱
فصل دوم: توقیف اموال.....	۲۹۶
مبحث اول: مقررات عمومی.....	۲۹۶
مبحث دوم: در توقیف اموال منقول.....	۲۹۹
مبحث سوم: صورت برداری اموال منقول.....	۳۰۰
مبحث چهارم: ارزیابی اموال منقول.....	۳۰۱
مبحث پنجم: حفظ اموال منقول توقیف شده.....	۳۰۲
مبحث ششم: توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است.....	۳۰۳
مبحث هفتم: توقیف حقوق مستخدمین.....	۳۰۴
مبحث هشتم: توقیف اموال غیر منقول.....	۳۰۵
مبحث نهم: صورت برداری اموال غیر منقول.....	۳۰۶
مبحث دهم: ارزیابی و حفظ اموال غیر منقول.....	۳۰۷
فصل سوم: فروش اموال توقیف شده.....	۳۰۷
مبحث اول: فروش اموال منقول.....	۳۰۷

۳۱۰	مبحث دوم: فروش اموال غیر منقول
۳۱۲	فصل پنجم: اعتراض شخص ثالث.....
۳۱۲	فصل ششم: حق تقدم
۳۱۴	فصل هفتم: تأدیه طلب
۳۱۵	فصل هشتم: هزینه‌های اجرایی
۳۱۶	فصل نهم: احکام و اسناد لازم‌الاجراء کشورهای خارجی.....
۳۱۹	ضمیمه دوم: قانون حمایت خانواده به همراه نکاتی از آن.....
۳۱۹	فصل اول: صلاحیت دادگاه خانواده.....
۳۲۱	فصل دوم: ازدواج و طلاق
۳۲۳	فصل سوم: اعتبار حکم طلاق و گواهی عدم امکان سازش
۳۲۴	فصل چهارم: حضانت و نگهداری اطفال و نفقه (مواد ۴۷-۴۰).....
۳۲۶	فصل پنجم: حقوق وظیفه و مستمری.....
۳۲۶	فصل ششم: قرارهای تأمین در دادگاه خانواده.....
۳۲۸	ضمیمه سوم: آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده.....
۳۲۸	فصل اول: دادگاه خانواده.....
۳۲۸	مبحث اول: کلیات
۳۲۹	مبحث دوم: ارائه گواهی پزشکی توسط زوجین
۳۳۰	مبحث سوم: طلاق توافقی
۳۳۱	مبحث چهارم: داوری
۳۳۱	مبحث پنجم: حقوق زوجه
۳۳۲	مبحث هفتم: حضانت و نگهداری اطفال.....
۳۳۳	مبحث هشتم: حقوق وظیفه و مستمری.....
۳۳۴	مبحث نهم: مقررات کیفری.....
۳۳۴	فصل دوم: مراکز مشاوره خانواده.....
۳۳۴	مبحث اول: اهداف و تشکیلات.....
۳۳۵	مبحث دوم: واحد مشاوره خانواده استانها
۳۳۷	مبحث چهارم: اتیان سوگند
۳۳۸	مبحث پنجم: نحوه صدور و اعتبار مجوز ایجاد مرکز مشاوره خانواده.....
۳۳۹	مبحث هشتم: تخلفات و مجازاتهای انتظامی.....

فصل سوم: ثبت ازدواج و طلاق و وقایع مربوط به آن	۳۴۰
فصل چهارم: نحوه ملاقات والدین با طفل	۳۴۲
ضمیمه چهارم: قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴	۳۴۴
به همراه نکاتی از آن	۳۴۴
ضمیمه پنجم: قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی	۳۵۶
ضمیمه ششم: قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیر منقول متعلق به شهرداریها	۳۵۷
ضمیمه هفتم: قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی	۳۵۸
ضمیمه هشتم: قانون راجع به نحوه مطالبه‌ی دیون عادی	۳۶۰
ضمیمه نهم: قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری	۳۶۱
بخش اول: تشکیلات	۳۶۱
بخش دوم: آیین دادرسی	۳۶۳
فصل اول: صلاحیت	۳۶۳
فصل دوم: ترتیب رسیدگی	۳۶۵
مبحث اول: رسیدگی در شعب بدوی	۳۶۵
مبحث دوم: رسیدگی در شعب تجدیدنظر	۳۷۶
مبحث سوم: رسیدگی در هیأت عمومی	۳۷۸
بخش سوم: اعاده دادرسی	۳۸۲
بخش چهارم: اجرای احکام	۳۸۴
ضمیمه دهم: قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴	۳۹۱
ضمیمه یازدهم: آراء وحدت رویه	۴۰۲

منابع ۴۴۷

کلیات

- صلاحیت دادگاهها
- صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها
- اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن
- وکالت در دعاوی
- کارمندان دادگستری

کلیات

کلیات مواد (۹-۱):

ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی، به تعریف آیین دادرسی مدنی می‌پردازد: «آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعوی مدنی و بازرگانی در دادگاه عمومی، انقلاب، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند، به کار می‌رود.»

دادرسی از لحاظ لغوی به معنای به داد کسی رسیدن، دادخواهی کردن و... آمده است و در اصطلاح حقوقی دارای ۲ مفهوم است: ۱) دادرسی به معنای عام. ۲) دادرسی به معنی خاص.

دادرسی به معنای عام، رشته‌ای از علم حقوق است که هدف آن تعیین قواعد راجع به تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی، تقدیم دادخواست و رسیدگی به دعاوی، صدور قرار و حکم و... می‌باشد.

دادرسی به معنای خاص، مجموعه‌ی اقدامات دادگاه را در جهت رسیدگی به دعوی از جمله شنیدن اظهارات طرفین، بررسی لوایح، بررسی ادله و مستندات و... در بر می‌گیرد. با توجه به ماده ۱، امکان اعمال مقررات آیین دادرسی مدنی در امور حسبی، دعاوی مدنی و بازرگانی وجود دارد.

نکته: مطابق ماده ۱ قانون آ.د.م. دادگاه‌های:

۱- عمومی

۲- انقلاب

۳- تجدیدنظر

۴- دیوان عالی کشور

۵- سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت می‌باشند. (مانند شورای حل اختلاف، دادگاه خانواده و...) مکلف اند در خصوص موضوعات مندرج در ماده ۱، قواعد آیین دادرسی مدنی را رعایت کنند.

نکته: بنا بر مواد ۱۸ و ۱۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، شورا در رسیدگی تابع اصول آیین دادرسی مدنی می‌باشد اما تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد. اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع،

حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است و منظور از تشریفات رسیدگی، شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ و تعیین اوقات رسیدگی و جلسه دادرسی و... است. نکته: چون قانون امور حسبی یک قانون خاص است ترتیبات خاص مقرر در قانون امور حسبی الزامی است مگر در موردی که در خود قانون امور حسبی، به قانون آیین دادرسی مدنی ارجاع شده باشد. به علاوه آیین دادرسی مدنی نه تنها در دعاوی حقوقی، بلکه در طرح و دفاع و رسیدگی به جنبه‌ی حقوقی امور کیفری نیز علی‌الاصول باید رعایت شود، البته در مواردی قانون گذار بر قاعده مزبور استثنائاتی وارد نموده است. مثل:

(۱) سرقت^۱

(۲) تصرف عدوانی^۲

(۳) در جرایم مستوجب دیه

(۴) کلاهبرداری^۳

نکته: اصول و مقرراتی که آیین دادرسی مدنی به مفهوم اعم کلمه، خوانده می‌شود شامل مقررات و قوانین مربوط به سازمان قضاوتی، مقررات مربوط به صلاحیت و مقررات آ.د.م به معنای اخص می‌شوند. از طرف دیگر قوانین آ.د.م با ۲ مشخصه آمره بودن یا تشریفاتی بودن و عطف به ماسبق شدن یا نشدن شناخته می‌شوند. که هر کدام از این ویژگی‌ها را در اصول و مقررات آ.د.م مورد بررسی قرار می‌دهیم:

(منظور از قوانین آمره قوانینی هستند که تراضی برخلاف آنها امکان پذیر نیست مثل قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی محاکم؛ و قوانین تکمیلی یا تخییری قوانینی هستند که تراضی برخلاف آنها امکان پذیر است چرا که مغایر با نظم عمومی نمی‌باشد مثل مواردی که طرفین حق اعتراض به نظر کارشناس را از خود سلب می‌کنند.)

۱- مقررات مربوط به سازمان قضاوتی (مثلاً تعداد قضات در رسیدگی‌های قضایی یا طبقه‌ی استخدام قضات و کارمندان دادگستری):

(۱) از قوانین آمره هستند.

(۲) عطف به ماسبق می‌گردند یا به عبارت دیگر به علت اثر فوری قوانین، شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردند مگر در خود قانون ترتیبی اخذ شده باشد.

۱- ماده ۶۶۷ قانون تعزیرات

۲- ماده ۶۹۲ قانون تعزیرات

۳- ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری

۲- مقررات مربوط به صلاحیت: در این مورد بایستی بین صلاحیت ذاتی و نسبی قائل به تفکیک شویم:

۱- صلاحیت ذاتی ⇨

(۱) از قوانین آمره هستند.

(۲) عطف به ماسبق می‌شوند.

۲- صلاحیت نسبی ⇨

(۱) **علی الاصول** در شمار قوانین مخیره‌اند. (مثلاً دعاوی غیرمنقول به استناد ماده ۱۲ ق.آ.د.م استثنا می‌باشند.)

(۲) **اصولاً** عطف به ماسبق نمی‌گردند، مگر اینکه در خود این قوانین یا قانون دیگری ترتیبی غیر از این مقرر شود.

- توافق اصحاب دعوا برخلاف صلاحیت محلی، تکلیفی برای دادگاه ایجاد نمی‌کند بلکه دادگاه می‌تواند رسیدگی کند یا قرار عدم صلاحیت صادر کند.

۳- مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص:

(۱) **اصولاً** از قوانین آمره شمرده می‌شوند.

(۲) **اصولاً** اثر فوری داشته و عطف به ماسبق می‌گردند مگر در مواردی که عطف به ماسبق شدن آنها، به حقوق مکتسبه (این حقوق باید قطعی باشند نه ظنی) افراد خلل وارد می‌آورد.

این که یک رأی قابلیت اعتراض دارد یا خیر، تابع قانون زمان صدور رأی است. برای مثال رأیی در زمان صدور قابل تجدیدنظر بوده اما قانون بعدی آن را غیرقابل تجدیدنظر اعلام می‌کند؛ در این صورت:

این رأی همچنان قابل تجدیدنظر است زیرا اگر رأی را قابل تجدیدنظر ندانیم به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد می‌آورد.

نکته: چون دیوان عالی کشور رسیدگی به ماهیت اختلاف نمی‌کند، بنابراین مقررات لاحق در دیوان، مورد توجه قرار نمی‌گیرند. بنابراین همان طور که گفته شد چنانچه در زمان مطرح بودن امری در دیوان عالی کشور یکی از مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص لازم‌الاجرا گردد که در زمان صدور رأی فرجام خواسته لازم‌الاجرا نبوده در دیوان عالی کشور مورد عنایت قرار نمی‌گیرد اما اگر رأی صادره نقض گردد دادگاه

مرجع الیه مکلف به تبعیت از قانون جدید می‌باشد.

ماده ۲ آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر این که شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشد.»

ماده ۲ ق.آ.د.م چهار اصل مهم دادرسی را در بردارد که از ابتدا تا مرحله اجرای حکم مجری است:

(۱) در هر امری در دعوا، جریان رسیدگی باید از دادگاه خواسته شود.

(۲) شخصی که رسیدگی را می‌خواهد باید ذی‌نفع باشد، یا وکیل باشد یا قائم مقام یا نماینده قانونی باشد.

نکته: نمایندگی پدر از فرزند صغیر نمایندگی قانونی و نمایندگی امین، نمایندگی قضایی و نمایندگی وکیل نمایندگی قراردادی است.

(۳) درخواست رسیدگی بایستی طبق قانون و مقررات باشد.

(۴) قاعده منع تحصیل دلیل؛ موارد زیر تحصیل دلیل محسوب نمی‌شوند:

(۴-۱) کارشناسی به استناد ماده ۲۵۷ ق.آ.د.م

(۴-۲) معاينه محل به استناد ماده ۲۴۸ ق.آ.د.م

(۴-۳) اماره طبق ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی

نکته: ذینفع بودن با ذی‌حق بودن متفاوت است. ذی‌نفع شخصی است که اگر رأیی صادر شود چیزی به او برسد و هر ذی‌حقی الزاماً ذی‌نفع نیست. اگر خواهان در دعوی مطروحه ذی‌نفع نباشد، دادگاه قرار رد دعوا صادر می‌کند و اگر ذی‌حق نباشد دادگاه معمولاً حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌کند. ذی‌نفع بودن از شرایط اقامه دعواست ولی وجود حق منجز از شرایط پیروزی در ماهیت دعواست نه از شرایط اقامه دعوا. به عبارت دیگر در یک دعوا، ابتدا باید ذی‌نفعی خواهان احراز شود، سپس در روند رسیدگی احراز نمود که او ذی‌حق است یا خیر.

نکته: نفعی که در ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی از آن صحبت شده باید:

(۱) حقوقی و مشروع باشد و

(۲) به وجود آمده و باقی باشد.

(۳) شخصی و مستقیم باشد.